

خبرها و گزارشها

احمدی نژاد وعده داد ایران را به ابرقدرت تبدیل کند

خبرگزاری «ریا نووستی»: «محمود احمدی نژاد» رئیس جمهور ایران در زمان دیدار خود با مردم استان بوییر احمد اظهار داشت که ایران در آینده نزدیک به کشوری ابرقدرت تبدیل خواهد شد. احمدی نژاد تاکید کرد که جمهوری اسلامی بلطف منابع عظیم انسانی و سنت های غنی فرهنگی خود به یک ابرقدرت در جهان تبدیل خواهد شد. وی افزود: من آماده ام که با نماینده هر کشوری، بجز رژیم جنایکار صهیونیستی، پشت میز مذاکرات نشسته و راه حلی برای مشکلات اشغالگری، تبعیض و تجاوز پیدا کنیم. من آماده مذاکره بر اساس اعتماد متقابل، صداقت و عدالت هستم.

سرمایه- سه شنبه، ۱ مرداد، ۱۳۸۷

می توانیم به سرعت اقتصاد اول جهان شویم

سرمایه: رئیس جمهور با تاکید بر اینکه کلمات «نمی شود و نمی توانیم» در مقابل اراده و همت بلند مردم ایران اسلامی مفهومی ندارد، گفت: «می توانیم به سرعت و در زمان کوتاه تری به اقتصاد اول جهان دسترسی پیدا کنیم.» محمود احمدی نژاد در جمع شماری از فعالان اقتصادی و نمایندگان اتاق های بازرگانی و صنف های گوناگون تجاری و صنعتی با بیان اینکه دولت به شرایط و تحولات دنیا و داخل کشور در عرصه های گوناگون اشراف کامل دارد، خاطرنشان کرد: «این استعداد در ایران اسلامی هست که اگر مسیری را کشورها و ملت های دیگر در ۳۰ سال طی می کنند، ملت ایران آن را در ۱۰ سال به سرانجام برساند.»

در رابطه با نظام اقتصادی که احمدی نژاد به آن افتخار میکند:

* ایران از نظر شاخص های آزادی اقتصادی در میان ۲۴ کشور حوزه سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام، در رتبه ۲۱ قرار گرفته است

* اکونومیست و فضای اقتصاد کلان کشورهای جهان: ایران در مکان ۷۶ جهان و ۱۵ خاورمیانه قرار دارد

* ثروتی بیسابقه در اقتصاد بیمار ایران
وگذارای اقتصاد به نظامیان: سه هزار پروژه دولتی دیگر برای بسیج

* ۱۳ درصد افزایش جمعیت زیر خط فقر

* خودسوزی دخترهای کارگر و خودکشی زنی بعلت فقر

تراژدی تلخ واردات و شکست اقتصاد ملی

صادرات هر کشوری نشان می‌دهد که محصولات یک کشور تا چه حد در بازارهای جهانی نفوذ می‌کنند و نوع و ترکیب اقلام صادراتی نیز نشان از سطح توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی آن کشور دارد. نوع و ترکیب اقلام صادراتی از این جهت اهمیت دارد که تشخیص دهیم محصولات صادراتی یک کشور تا چه اندازه با اتکا به تکنولوژی‌های سطح پایین، سطح متوسط و سطح بالا تولید و روانه بازارهای بین‌المللی شده است. مرور سریع اقلام صادراتی ایران نشان می‌دهد که کالاها و محصولات صادراتی ایران، غالباً شامل مواد خام یا تولید شده با اتکا به فناوری‌های سطح پایین و قدیمی است و یا محصولات کشاورزی همچون پسته را شامل می‌شود.

روزنامه اعتماد ۲۳ / ۴ / ۱۳۸۷

ارزیابی شیوه آمادگی دولت نهمی‌ها و فاصله آن با واقعیت‌های اقتصادی؛

تفاوت از زمین تا آسمان است

گروه اقتصاد: جمهوری اسلامی ایران، بر آن است که بر مبنای سند فرادستی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور ۱۴۰۴-۱۳۸۴ (ش) در سال ۱۴۰۴ شمسی، قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا باشد. بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده، تحقق این هدف بزرگ نیازمند آن است که حداقل رشد اقتصادی سالیانه کشور در حد ۸ درصد باشد. به این معنا که هر ساله حداقل به میزان ۸ درصد، تولید ناخالص داخلی GNP افزایش داشته باشد. یکی از شاخصه‌های کشورهای توسعه‌یافته، بالا رفتن میزان شفافیت عملکرد و رفتارهای دولت و ارائه آمارهای صحیح و مستند است.

ارائه آمارهای واقعی و صحیح، از این جهت اهمیت دارد که وضع موجود کشور و آمارهای آن را با کشورهای رقیب منطقه بسنجیم و خود را آماده کنیم تا به صورت واقع‌گرایانه‌ای، قدرت برتر منطقه باشیم. به همین دلیل، هر گونه دستکاری و تحریف آمارها می‌تواند ما را فریب دهد یا دچار توهم کند.

از سوی دیگر در نظر داشته باشیم که نهادهای بین‌المللی و جهانی غالباً آمارهای جهانی را بر اساس اظهارات و مستندات نهادهای دولتی و رسمی هر کشور عرضه می‌کنند. شایسته نیست که یک کشور با دستکاری آمارهای ملی، وضع کنونی خود را به صورت غیرواقعی و جعلی، مناسب‌تر نشان دهد. چه، شاخص‌های دیگری نیز در سطح جهانی تهیه می‌شود و به طور مشخص به آمارهای دولتی و رسمی کشورها منکی نیست و در صورت تناقض این دو دسته آمارها، حیثیت کشوری که آمارهای نادرست و ساختگی عرضه کند، بر باد می‌رود. نکته مهم‌تر این است که آمارهای تهیه شده در هر کشور باید بتواند با معیارهای جهانی تطابق داشته باشد و دستکاری در نوع تعریف شاخص‌های اندازه‌گیری، در درازمدت و قیل از همه به زیان همان کشور است. چرا که چنین کشوری با این نوع آمارهای تصنعی، از چارچوب واقعیت‌ها به محدوده توهم و خیال‌بافی پرتاب می‌شود. در حالی که توسعه‌یافتگی با واقعیت سروکار دارد و شاخص‌های کمی معتبر بین‌المللی، به هر حال قادرند نشان دهند یک کشور توسعه‌یافته است یا توسعه نیافته.

چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران

همانگونه که پیش از این آمد بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، ایران باید بتواند در سال ۱۴۰۴ شمسی قدرت برتر کل منطقه باشد. در قالب این سند ۲۰ ساله، نیاز به اجرای ۴ برنامه پنج ساله توسعه است. هم‌اکنون اولین برنامه پنج ساله در قالب این سند ۲۰ ساله، تحت عنوان قانون برنامه پنج ساله چهارم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (۱۳۸۴-۸۸۸) به ظاهر در حال اجرا است. قانون برنامه چهارم توسعه، با اتکا به تجربه برنامه‌ریزی کشور و با استفاده از تجربیات کسب‌شده از اجرای برنامه‌های توسعه قبلی، پی‌ریزی شد. این برنامه با بهره‌گیری از توان کارشناسی حدود ۵ هزار نفر از کارشناسان و متخصصان ایرانی تهیه شد و پس از تصویب در مجلس، به تایید

شورای نخبان رسید. در این برنامه چهارم توسعه تاکید شده که نرخ رشد اقتصادی کشور باید بالاتر از ۸ درصد شود. نرخ بیکاری نیروی کار، تکریمی شده و به ۴ / ۸ درصد در پایان برنامه برسد. همچنین در این برنامه گفته شده که نرخ تورم باید تکریمی شده و به ۹ درصد برسد. مطابق ماده ۲ این قانون، کل هزینه‌های جاری دولت باید از محل مالیات تحقق یابد و نه درآمدهای نفتی.

اجرای قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۸۸۸) از ابتدای فروردین ۱۳۸۴ آغاز شد. پس از برگزاری انتخابات جنجال‌برانگیز نهمین دوره ریاست‌جمهوری و به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد، وی و سایر دولت نهمی‌ها، رویکردی انتقادی نسبت به این برنامه نشان دادند. در این میان پرویز داوودی، معاون اول رئیس‌جمهور مدعی شد که نامحرمان در تهیه و تدوین برنامه چهارم توسعه نقش داشته‌اند.

دولت نهمی‌ها در اوایل دوره قدرتمندی خود، نسبت به ارائه شاخص‌ها و آمارها بی‌تفاوتی خاصی به خرج می‌دادند. حتی گزارش عملکرد سال اول برنامه چهارم توسعه -۱۳۸۴- را طبق قانون، باید تا آذر ۱۳۸۵ به مجلس ارائه می‌کردند. اما ارائه آن تا شهریور ۱۳۸۶ به تعویق افتاد و بالاخره رئیس این دولت، پس از تاخیر غیرقابل توجیهی، در برابر نمایندگان مجلس قرار گرفت و به طور گذرا، آن گزارش را ارائه کرد. گزارش سال دوم برنامه چهارم توسعه -۱۳۸۵- نیز باید تا آذر ۱۳۸۶ ارائه می‌شد، اما احمدی‌نژاد هیچگاه حاضر نشد دست‌کم دو ساعت از وقت خود را صرف ارائه گزارش عملکرد سال دوم برنامه چهارم کند و مطابق قانون، در مجلس حضور یابد و آن گزارش را حضوراً به اطلاع نمایندگان برساند. این در حالی است که رئیس دولت نهم حداقل ۲ بار و هر بار مدت زمانی در حد ۴ ساعت را به سخنرانی در جمع دانشجویان اختصاص داد. در این سخنرانی‌ها که تا ساعت یک بامداد روز بعد ادامه پیدا کرده بود. احمدی‌نژاد از جمله در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) تهران گفت: «در ۳ سال اخیر همه تلاش خود را صرف کرده‌ام تا آرمان‌خواهی را در تمامی بخش‌ها در بالاترین سطح نگه دارم.» وی همه جنجال و هیاهوها علیه دولت نهم را ناشی از این دانست که این دولت بر بالاترین نقطه آرمان‌خواهی ایستاده و سر سوزنی از مبانی و آرمانی که گفته، کوتاه نیامده است. احمدی‌نژاد با خطابی شدیدالحن، منتقدان خود را به این صورت مورد مهرورزی از نوع دولت نهمی قرار داد: «تاکنون در یک مقاله، تنوری‌های واقعی دولت نهم مورد نقد علمی واقع نشده است.»

دولت نهم، تنوری دارد یا ندارد؟!

سند فرادستی چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و قانون برنامه چهارم توسعه، اسنادی هستند که دولت، موظف به رعایت کردن آن است. در حالی که دولت باید نسبت به اجرای قانون برنامه چهارم توسعه از همگان پیشگام‌تر باشد، هنوز نسبت به این قانون نقد دارد. کارشناسان و متخصصان کشور، اما معتقدند دولت، عرصه اجرا است و وقتی کسی به قدرت می‌رسد و قوه مجریه را راهبری می‌کند، باید قانون را اجرا کند و نه اینکه نسبت به آن نقد داشته باشد. اما در قضیه تنوری داشتن یا نداشتن دولت نهم، کافی است اظهارات مقامات جناح اصولگرا یا محافظه‌کار کشور را ملاک قرار دهیم. چرا که دولت نهمی‌ها، هرگونه انتقاد منتقدان، اقتصاددانان و اساتید دانشگاه را سیاه‌نمایی می‌دانند. به همین دلیل به سخنان محمدرضا باهنر نماینده اصولگرای مجلس هفتم و هشتم و نایب‌رئیس آن استناد می‌کنیم. باهنر معتقد است در چند سال گذشته، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، مورد غفلت قرار گرفته است و دولت نهم، حاضر به پذیرش تنوری اقتصادی نیست.

باهنر می‌گوید: «دو سال طول کشید تا دولت [نهم] را قانع کنیم که اقتصاد کشور نیاز به تنوری دارد... بدون تنوری اقتصادی، پول نفت داشتن خیلی بدتر از نداشتن پول نفت است.» باهنر به عنوان یکی از نمایندگان سرسخت دولت‌گرا محسوب می‌شود و از نظر فکری در طیفی قرار دارد که احمدی‌نژاد نیز در آن قرار دارد و بالاخره باهنر به علت این نزدیکی فکری، شاید بهتر از منتقدان هم به بن‌مایه فکری دولت نهمی‌ها آشنایی دارد. باهنر می‌گوید. دولت، تنوری نداشته و به تازگی پذیرفته که تنوری داشته باشد. اما احمدی‌نژاد می‌گوید منتقدان، تاکنون نتوانسته‌اند به طور صحیح و بر اساس تنوری‌های واقعی، سیاست‌های دولت نهم را نقد کنند؛ حال پیدا کنید پرتقال فروش را.

آمارهای دولت نهمی‌ها

محمود احمدی‌نژاد، همواره آمارهای ارائه‌شده از سوی منتقدان را دروغ می‌داند. او در ماه‌های اول تشکیل دولت نهم، وجود هرگونه تورم را رد می‌کرد و می‌گفت از محله ما (نارمک) خرید کنید. احمدی‌نژاد در سخنان نوروزی امسال خود، پذیرفت که تورم، جمع زیادی از هموطنان را دچار مشکل کرده است. با این حال، وی هیچ‌وقت نگفت که تورم سال ۱۳۸۶ مطابق الگوی دستکاری‌شده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به مرز ۴ / ۱۸ درصد رسیده و این به

معنای کاهش قدرت خرید ۴ / ۱۸ درصدی مردم است. محمود احمدی نژاد در مصاحبه تلویزیونی خود در پاییز ۱۳۸۶، کل مخارج دولت در سالهای ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ را جمعا معادل ۹۰ میلیارد دلار اعلام کرد. در عمل گزارشهای عملکرد بودجههای سالهای ۸۶-۱۳۸۴ نشان میدهد که دولت نهم در این سه سال به ترتیب ۲ / ۳۵، ۷ / ۴۰ و ۱ / ۳۱ میلیارد دلار و جمعا ۱۰۷ میلیارد دلار مخارج ارزی داشته است. باید توجه داشت که تفاوت ۹۰ میلیارد دلار تا ۱۰۷ میلیارد دلار چیزی در حد ۱۷ میلیارد دلار و با نرخ ارز ۹۰۰ تومانی در حد ۱۵/۳ هزار میلیارد تومان است.

علاوه بر این موارد محمود احمدی نژاد در گفتوگویی تلویزیونی پخش شده در تیرماه ۱۳۸۷ با مشاور رسانه‌ای خود، اعلام کرد که میزان وابستگی بودجه دولت از ۶۷ درصد در دولت قبلی به ۵۲ درصد در حال حاضر رسیده است. البته احمدی نژاد در بخش دیگری از این مصاحبه تلویزیونی در اظهارنظری دیگر گفت ما اگر شرکت ملی نفت ایران را هم در نظر بگیریم کل میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی در حد ۶۷ درصد است. مشخص نیست بر چه مبنا احمدی نژاد، بودجه شرکت دولتی معظم <شرکت ملی نفت ایران> را به صراحت به عنوان زیرمجموعه دولت قلمداد نمی‌کند.

جدول <الف> درآمدهای نفتی ایران را در سالهای ۸۶-۱۳۸۱ نشان می‌دهد و مسلما ۵۲ درصد از درآمد نفتی ۷۸/۸ میلیارد دلاری سال ۱۳۸۶، چند برابر مصرف درآمد نفتی در سال ۱۳۸۱ است که اتکای بودجه دولت به نفت در حد ۵ / ۶۱ درصد و کل درآمد نفتی آن سال در حد ۲۲/۹ میلیارد دلار بود.

محمود احمدی نژاد در مصاحبه تلویزیونی اخیر خود گفت که ما معتقدیم ساختار دولت نیز باید اصلاح شود. وی سپس گفت: <برای مثال حجم دولت را کم کرده‌ایم.> لازم به ذکر است که کوچک‌سازی و متناسب‌سازی دولت یکی از اهداف قابل‌توجه قانون برنامه چهارم توسعه است. در این قانون، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مأمور کوچک‌سازی دولت معرفی شده است. این سازمان به عنوان یک نهاد فرابخشی و نهاد نظارتی درون دولت، با داشتن برجسته‌ترین کارشناسان دولت، در یک اقدام غافلگیرانه توسط محمود احمدی نژاد (در سال گذشته) منحل شد و حجم دولت، نه تنها کوچک نشد، بلکه گسترش بی‌رویه آن با اتکا به سیاست‌های مالی انبساطی دولت نهم اتفاق افتاد و افزایش حجم بودجه دولت، باعث شد مقدار زیادی از درآمدهای نفتی به وسیله بدنه بسیار حجیم و ناکارآمد دولت به صورتی غیرکارآمد خرج شود.

گزارش مجمع تشخیص مصلحت نظام (بازوی نظارتی رهبری نظام) نشان می‌دهد که برخلاف نص صریح قانون، اندازه دولت در چند سال گذشته روند فزاینده‌ای داشته است؛ از جمله اینکه نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی حکایت از افزایش ۸۷ درصدی در سال ۱۳۸۴ (سال اول دولت نهم) نسبت به سال ۱۳۸۳ می‌کند و نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی از ۳ / ۷۹ درصد سال ۱۳۸۳ به رقم نگران‌کننده ۷ / ۹۷ درصد در سال ۱۳۸۴ رسید. شاخص رشد اقتصادی، یکی از شاخص‌های ملی است. محمود احمدی نژاد در اظهارنظری اعلام کرد که نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۶ به ۸ / ۷ درصد رسید و چند روز بعد حسین صمصامی مزرعه‌آخوند، سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی با استناد به آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که رشد اقتصادی سال ۱۳۸۶، در حد ۸ / ۶ درصد بوده و بالاخره مشخص نشد که آن نرخ ۸ / ۷ درصدی از چه منبعی اخذ شده است. هر چند یکی از مشاوران احمدی نژاد هم نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۸۶ را ۱۲ درصد اعلام کرد. در اظهارنظر قابل توجهی، احمدی نژاد بالاخره رضایت داد نرخ تورم سال ۱۳۸۶ را اعلام کند و آن را ۲ / ۱۸ درصد اعلام کرد. البته برخلاف نظر رئیس دولت نهم، بانک مرکزی به عنوان نهاد رسمی اعلام‌کننده این شاخص، نرخ تورم سال ۱۳۸۶ را ۴ / ۱۸ درصد اعلام کرده است.

همچنین احمدی نژاد در جمع فرماندهان و مدیران نیروی مقاومت بسیج (در خرداد ۱۳۸۷) گفت: <رشد اقتصادی کشور برای دو سال پیاپی بالاتر از ۷ درصد بوده است.>

آمار رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد نرخ رشد اقتصادی کشور در سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب ۲ / ۶ و ۷ / ۶ درصد بوده است. آمارهای ملی فقط محدود به نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم کشور نمی‌شود. در قالب قانون برنامه چهارم توسعه، دولت نهم موظف است حداقل ۳۰۰ تا ۴۰۰ شاخص ملی را تهیه و ارائه کند اما هنوز از انجام این کار سر باز زده است. فرشاد مومنی استاد دانشگاه و اقتصاددان که با گروهی از اقتصاددانان در هفته قبل با احمدی نژاد ملاقات کرده، می‌گوید: <با وجود اینکه دولت به صراحت تعهد داده بود آمارهای رسمی و به‌روز در اختیار

پژوهشگران قرار داده شود اما متأسفانه هنوز هم آخرین آمار رسمی منتشرشده از سوی دولت، مربوط به سال ۱۳۸۴ است.

گسترش عدالت یا بی‌عدالتی؟

در قانون برنامه چهارم توسعه، تاکید خاصی بر استقرار عدالت اجتماعی صورت گرفته است. دولت نهمی‌ها نیز به‌طور مکرر، دولت خود را عدالت‌محور می‌دانند و معتقدند در حال مهرورزی به بندگان خدا هستند. احمدی‌نژاد در کنفرانس خبری اردیبهشت‌ماه سال جاری در حضور نمایندگان رسانه‌ها و مطبوعات داخلی و خارجی اظهار داشت در سه سال اخیر، قدرت خرید مردم افزایش پیدا کرده است. وی در جلسه اخیر خود با جمعی از اقتصاددانان گفت به تنوری‌های اقتصادی پایبند است و حتی اصول این علم را به زبان ساده در سخنرانی‌های خود تشریح می‌کند. اگرچه احمدی‌نژاد پیش از این گفته بود <خدا را شکر که در اقتصاد، سررشته‌ای ندارم>، اما حال که وی پذیرفته با اتکا به اصول علم اقتصاد بحث می‌کند، تعریف علمی <میلتون فریدمن> اقتصاددان مشهور و برنده جایزه نوبل در اقتصاد را ذکر می‌کنیم که تورم را <افزایش نامتناسب و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها یا کاهش مستمر قدرت خرید واقعی پول> تعریف کرده است.

با اتکا به اصول علم اقتصاد می‌توان گفت نرخ تورم صفر درصدی به معنای آن است که قدرت خرید مردم کاهش پیدا نمی‌کند. اگر نرخ تورم در حد ۲۰ درصد باشد، چنین نرخي نشان از کاهش ۲۰ درصدی قدرت خرید مردم دارد. با توجه به اینکه ایران از نظر داشتن بیشترین تورم در سال ۲۰۰۷ در بین ۱۸۰ کشور دنیا، رتبه تاسف‌بار پنجم را با نرخ تورم ۱۹ درصدی کسب کرده، مشخص نیست با اتکا به کدام تنوری اقتصادی، احمدی‌نژاد اعلام می‌کند قدرت خرید مردم ایران، افزایش یافته است. نکته مهم‌تر این است که تورم ذاتاً منجر به گسترش بی‌عدالتی می‌شود و فقرا را فقیرتر و ثروتمندان را ثروتمندتر می‌کند.

هر چقدر تورم افزایش یابد، شاخص ضریب جینی نیز افزایش پیدا می‌کند. ضریب جینی، عددی بین صفر و یک است. هر چقدر ضریب جینی به سمت یک میل کند نابرابری و بی‌عدالتی در توزیع امکانات و درآمدها تشدید می‌شود و اگر ضریب جینی یک کشور به سمت صفر حرکت کند، جامعه به سوی عدالت و برابری در درآمدها و امکانات سوق داده شده است. ضریب جینی در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۰/۳۸۴ و ۰/۴۰۱ بوده است. بنابراین سیاست‌های مهرورزانه دولت نهم منجر به گسترش بی‌عدالتی و فقیرتر شدن فقرا و وخیم شدن وضع معیشت اقشار محروم و کم‌درآمد شده است، چراکه این اقشار مجبورند بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف اقلام خوراکی و آشامیدنی و سایر اقلام ضروری کنند و با افزایش تورم، قدرت خرید این گروه از مردم به‌شدت کاهش می‌یابد. این در حالی است که ضریب جینی در کشورهای انگلستان (U.K) و استرالیا در حد ۰/۳۶ و ۰/۳۵۲ است. بر این اساس، توزیع درآمد و امکانات در این دو کشور به عدالت نزدیک‌تر است.

دکتر فرشاد مومنی اقتصاددان و استاد دانشگاه، بعد از جلسه اخیر اقتصاددانان با احمدی‌نژاد گفته است: <اقتصاددانان در این جلسه در مورد کارهایی که دولت به صورت نسنجیده ذیل عنوان خصوصی‌سازی با توزیع سهام عدالت انجام می‌دهد، انتقادهای خیلی جدی‌ای کردند>. محمد خوش‌چهره- اقتصاددان- نیز می‌گوید: <اینکه صرفاً گفته می‌شود وضعیت نسبت به قبل بهتر شده، صحیح نیست و اگر معیار و شاخص نباشد، این گفته کلی‌گویی است... اکنون شاخص‌های ما نشان می‌دهد که توزیع درآمد مبین بالا رفتن ضریب جینی است که مفهوم نابرابری [بی‌عدالتی] در جامعه را نشان می‌دهد>. خوش‌چهره می‌افزاید: <رسانه‌ها باید از احمدی‌نژاد، استناداتش را درباره بهبود سطح زندگی مردم بخواهند. اگر ما شاخصی نگوییم هر فردی خودش را قهرمان نشان می‌دهد>.

دکتر مهدی تقوی اقتصاددان نیز با اظهار اینکه <دولت در ارائه آمار سیاسی بازی می‌کند>، می‌گوید: <به دلیل نداشتن ارقام صحیح و کارشناسی‌شده، دولت می‌تواند هر ادعایی داشته باشد>.

ارائه آمارهای مبتکرانه

ارائه آمارهای غیرصحیح و اظهارنظرهای کلی و غیرواقعی، فقط محدود به رئیس دولت نهم نمی‌شود. در این زمینه برخی دیگر از اعضای کابینه نهم، در این زمینه ید طولایی دارند. از جمله این اعضا می‌توان به دکتر غلامحسین الهام (سخنگوی دولت، وزیر دادگستری و عضو شورای نگهبان) اشاره کرد. در گزارش صورت‌حساب عملکرد (تفریح) بودجه سال ۱۳۸۵ آمده است که وزارت نفت ۳۲ هزار میلیارد تومان از درآمد نفتی کشور را به خزانه کشور واریز نکرده است. این گزارش به امضای رحیمی رئیس دیوان محاسبات مجلس کشور رسیده که اخیراً از سوی احمدی‌نژاد به عنوان معاون حقوقی و پارلمانی رئیس‌جمهور، منصوب شده است. اما غلامحسین الهام در پاسخ به گزارش دیوان

محاسبات گفت که <بارها گفته‌ایم که همه درآمدها به خزانه می‌رود.> الهام چند هفته قبل نیز گفت با سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت نهم، قیمت مسکن در برخی استان‌ها، تا ۳۰ درصد کاهش یافته است. اما وی در پاسخ به سوال خبرنگاران، به هیچ‌وجه حاضر نشد بگوید در کدام استان، قیمت مسکن در حد یک سوم پایین آمده است. همچنین غلامحسین الهام، اخیراً اعلام کرد که نرخ تورم کشورهای همسایه ایران دو برابر شده و در برخی کشورها به ۷۰ درصد رسیده است. مطابق آمار رسمی صندوق بین‌المللی پول، نرخ تورم ۱۵۶ کشور دنیا در سال ۲۰۰۷، زیر ۱۰ درصد بوده است. بر اساس این جدول، ۱۸۰ کشور جهان بر مبنای داشتن تورم کمتر از یک تا ۱۸۰ رتبه‌بندی شده‌اند و جایگاه ایران از این نظر در رتبه تاسف‌بار ۱۷۶ قرار گرفته است. جدول <ب> نرخ تورم ایران و برخی کشورهای همسایه و جهان را در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد. جای این سوال وجود دارد که از سخنگوی دولت نهم بپرسیم نرخ کدام کشور همسایه ایران دورقمی شده که به دنبال آن نرخ بالای ۲۰ درصد فعلی کشور، قابل تحمل باشد؛ آیا منظور سخنگوی دولت، نرخ تورم کویت است با ۲/۶ درصد یا نرخ تورم افغانستان با ۸/۲ درصد؟ حتی اگر نرخ تورم کویت، بحرین، عربستان، عمان، اردن، سوریه، ترکیه و افغانستان، دو برابر هم شده باشد، به سطح نرخ تورم ایران نمی‌رسد و نرخ تورم قطر و جمهوری آذربایجان و مصر نیز به حد تورم ایران نرسیده است. هر چند که مطابق قانون برنامه چهارم، نرخ تورم ایران باید به زیر ۱۰ درصد می‌رسید. علاوه بر اظهارنظرهای الهام، سیدمحمد جهرمی وزیر کار دولت نهم نیز معتقد است که فقط ۵ درصد از تسهیلات‌گیرندگان بنگاه‌های زودبازده، وام‌ها را در جای اصلی مصرف نکرده‌اند. دکتر طهماسب مظاهری در نامه‌ای به احمدی‌نژاد نوشت که ۴۶ درصد از بنگاه‌های زودبازده استان قم اساساً وجود خارجی ندارند و البته دکتر خوش‌چهره نماینده مجلس هفتم از تخصیص نامناسب ۷۰ درصدی وام‌های بانکی به بنگاه‌های زودبازده خبر می‌دهد. در عین حال، اخیراً معاونت توسعه اشتغال وزارت کار در گزارشی اعلام کرده که ۳۹ درصد اشتغال‌های زودبازده، محقق نشده است. در این حالت ۳۹ درصد عدم تحقق، فاصله زیادی با ۵ درصد مورد نظر جهرمی وزیر کار دارد.

در بخشی دیگر از دستگاه حجیم و ناکارآمد دولت، وزارت صنایع آن نرخ رشد صنعت در سال ۱۳۸۵ را ۱۱ درصد و بانک مرکزی، نرخ رشد صنعت در همین سال را ۸ درصد اعلام می‌کرد. تعارض بین این دو نهاد دولتی بالا گرفت و بالاخره با پادرمیانی داوودی معاون اول رئیس‌جمهور، نرخ مورد نظر وزارت صنایع ترجیح داده شد و این اقدام جالب توجه در تاریخ ثبت شد و بدین ترتیب داوودی، بانک مرکزی را مکلف به اعلام نرخ ۱۱ درصدی کرد. از سوی دیگر رئیس مرکز دولتی آمار ایران، اظهار داشت که نرخ تورم محاسبه شده از سوی این مرکز، توسط بانک مرکزی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و بانک مرکزی فقط تورم مورد نظر خود را اعلام می‌کند. این اظهار نظر نشان می‌دهد که نرخ تورم محاسبه شده از سوی مرکز آمار، بیشتر از نرخ محاسبه شده از سوی بانک مرکزی است و این بانک هم مایل نیست نرخ تورم بیش از نرخ تورم تحریف شده خود را اعلام کند. ارائه آمارهای غلط در حلقه پیروان و اطرافیان احمدی‌نژاد نیز رواج دارد. مهرداد بذریاش که در دوره تصدی احمدی‌نژاد بر شهرداری تهران، سمت ریاست مشاور جوان شهردار را به عهده داشت و هم‌اینک و در فعل و انفعالات تغییرات مدیریتی ناشی از به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد، مدیرعامل شرکت خودروسازی سایپا شده، اخیراً اعلام کرد که <میزان تورم در دولت هاشمی تا ۵۰ درصد و در دولت خاتمی تا ۴۲ درصد رسیده است.> بر اساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی که در جدول <ج> آمده است نرخ تورم ۴۲ درصد در دوره ریاست‌جمهوری محمد خاتمی (۸۴۴-۱۳۷۶) به هیچ‌وجه به چشم نمی‌خورد. لازم به ذکر است که نرخ تورم در حال کنترل سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری خاتمی، در سال‌های بعد به صورت مهارناپذیری بالا رفت و به ۱۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۶ رسید. ناگفته نماند که در سال گذشته دولت نهمی‌ها با دستکاری الگوی تورم‌سنجی از جمله با تغییر سال پایه، تغییر اقلام سید مصرفی خانوارها، تغییر تعداد شهرهای مورد سنجش در الگوی تورم، به‌طور تصنعی و غیرقابل پذیرشی، توانستند نرخ تورم را پایین‌تر از واقعیت جلوه دهند. با وجود این نوع دستکاری‌ها نرخ تورم بر اساس اعلام بانک مرکزی، در حال حاضر به مرز ۲۵/۳ درصدی و در اقلام خوراکی و آشامیدنی به حد ۳۰/۵ درصد رسیده است. خواهید دید که چه کشورهایی نرخ تورم بهتری نسبت به ما دارند. ایجاد تفسیر و تحول بی‌پایه و اساس، فقط مربوط به آمارهای اقتصادی نمی‌شود. اخیراً دولت نهمی‌ها تصمیم گرفته‌اند وقتی که مردم ایران، صرف قرآن و مفاتیح‌الجنان و سایر کتاب‌های دعا می‌کنند را جزو ساعات مطالعه ایرانیان حساب کنند، این اقدام به شدت جنجال‌برانگیز شد. حتی اشعری، رئیس کتابخانه ملی ایران که در نهایت نتوانست جزو دولت نهمی‌ها به کابینه راه یابد در این زمینه می‌گوید: <وقتی درباره فرهنگ مطالعه صحبت می‌کنیم، این موضوع خارج از کتاب‌های درسی و متون مقدس چون قرآن و مفاتیح است و نباید با افزودن زمان مطالعه این کتاب‌ها، آمارهای مطالعه را بالا برد.> در این نوشته تلاش شد به صورتی واقع‌گرایانه و به دور از سیاه‌نمایی، شیوه آماری و اطلاع‌رسانی یک دولت ارائه شود؛ دولتی که می‌خواست پول نفت سر سفره‌های مردم ایران دیده شود و تصمیم گرفته ایران را به سرعت به قله‌های پیشرفت برساند. اما آیا به نظر شما می‌توان با آمارهای غیر واقعی به توسعه دست یافت؟

حجت الاسلام خامنه ای، بنیانگذار روش ارتقای علمی یک شبه

بدون شک اکثر ما کم و بیش با جهش علمی یک شبه برخی مقامات کشور به مدارج بالای علمی آشنا هستیم. به عنوان بارزترین مثالها میتوان به ارتقای آقای رفسنجانی به مقام آیت الله و یا مدرک دکترا سردار رضایی و یا فوق لیسانس ناطق نوری اشاره نمود. در واقع صدور این نوع مدارک در سالهای اخیر به حدی اوج گرفته که شاید نتوان بسادگی تفاوت بین آنهایی که مدارک علمی را با زحمت بدست آورده اند با اینگونه افراد تشخیص داد.

در این میان، یک سوال پیش میاید، که ریشه اینگونه مدرکسازي ها از کجا آب میخورد؟

اگر کمی به گذشته بازگردیم و زمان فوت آیت الله خمینی را به یاد بیاوریم، جواب سوال را خواهیم یافت و خواهیم دید که مبدع و رکورد دار این بدعت ناصواب کسی نیست جز رهبر فرزانه خودمان، حضرت امام خامنه ای.

در آنزمان، آقای خامنه ای دارای درجه حجت الاسلام بودند، در حالیکه برای کسب مقام ولایت نیاز به سه درجه ارتقاء علمی داشتند. مسیر طولانی و وقت کوتاه بود. ایشان میبایست در مرحله اول: از حجت الاسلام به آیت الله و در مرحله دوم: از آیت الله به اجتهاد و در مرحله سوم: از اجتهاد به مقام ولایت امر مسلمین نائل میگشتند.

با تلاش و کوشش علمی آقای حجت الاسلام خامنه ای ایشان تمامی این مراحل را در ظرفه العینی طی نمودند و هم اکنون در مقامی هستند که میبینیم!!!!

پس از اینزمان بود که مسنولین کشور وقتی میبینند، بالاترین مقام کشور ایران اینگونه از روش جهشی برای کسب مقام سوء استفاده مینماید، آنها نیز جسارت این عمل قبیح را پیدا میکنند، و این فساد اداری به مقامات پایین تر حکومتی نیز سرایت میکند.

متأسفانه معلوم نیست چه تعداد از مقامات تصمیم گیرنده اقتصادی و سیاسی دولت نهم دارای اینگونه از مدارک هستند که وضعیت کشور بدینگونه شده است.

منبع : وبلاک ماشین دودی

مرداد ۸۷

جنتی: شوراي نگهبان بي نظيرترين نهاد كشورهاي اسلامي است

احمد جنتی نهاد شوراي نگهبان را «بي نظيرترين» نهاد كشورهاي اسلامي توصيف كرد.

به گزارش ایسنا دبیر شوراي نگهبان در دیدار با اعضای مجلس العلمای اندونزی با تاکید بر بی نظیر بودن وجود نهادی چون شوراي نگهبان در کشورهای اسلامي اظهار کرد؛ وظیفه شوراي نگهبان پاسداري از اسلام و قانون اساسي و تفسیر قانون اساسي است که بر مبنای آن هیچ یک از قوانین مصوب مجلس نباید مغایر با اسلام و قانون اساسي باشد و مرجع تشخیص آن هم شوراي نگهبان است.

وي افزود؛ همچنین نظارت بر انتخابات در جمهوری اسلامي نیز بر عهده شوراي نگهبان است

چکیده نظرات خزعلی در باره امام علی (ع) گفتوگو با رزونامه اعتماد ملی - ۲ / ۵ / ۱۳۸۷

****** نظرات آخوند خزعلی در باره امام علی خواندنی است ؛ آخوند خزعلی را می شناسید از آمران جنابیت و فساد و خیانت در ایران است ، از جمله آخوندهائی است که تبلیغات بی دینی و ضد حقوق انسانی را در ایران قبل از انقلاب از جنبه نظری و بعد از انقلاب از جنبه عملی بر ضد راه انبیاء و اولیاء و انسانهای بزرگی که در خدمت بشریت بودند بطور آشکاروا داشتند و ددمنشانه عمل کردند. در اینجا به دو نکته درباره خزعلی اشاره می کنم :

۱- سعید امامی در اعترافات خود می گوید: فلاحیان با وجود آن که خود حاکم شرع بود، معمولاً و در موارد حساس احکام اعدام محاربان را شخصاً صادر نمی کرد. او این احکام را از آیت الله مصباح یزدی، آیت الله خزعلی و آیت الله احمد جنتی دریافت می کرد و به دست ما می داد. ما فقط به آقایان اخبار و اطلاعات می رساندیم و بعد هم منتظر دستور می ماندیم. وقتی باخبر شدیم که احمد آقا در جلسات خصوصی به مسئولان نظام و به ولایت امر اهانت می کند، دستور آمد که همه رفت و آمدهای ایشان را زیر نظر بگیرید و از ملاقاتها نوار تهیه کنید. ما هم به مدت یکسال همین کار را کردیم. متأسفانه حاج احمد آقا به راه یک طرفه بدی وارد شده بود که برگشت نداشت. وقتی دستور حذف احمد آقا را آقای فلاحیان به من ابلاغ کرد مضطرب شدم و حتی به تردید فرو رفتم. دو روز بعد همراه با آقای فلاحیان به دیدار آیت الله مصباح یزدی رفتیم، آقای محسنی اژه ای و آقای بادامچیان هم آنجا بودند، ایشان در آن جلسه گفتند نباید به کسانی که با ولی امر مسلمین خصومت می کنند، رحم کرد.

۲- دیگر اینکه عباس پالیزدار در افشاگری که اخیراً کرده است می گوید: موضوع مهم دیگر که او اشاره کرد در مورد سقوط دو هواپیما و دلایلش بود. یکی شهید کاظمی و دیگری شهید دادمان. در مورد دادمان ماجرا عمدی بود. پرونده ای هزار صفحه ای این را می گوید. (این که چه کسی در این ماجرا دست داشته حرفی نزد) اما در مورد سقوط هواپیمای شهید کاظمی (فرمانده سابق نیروی زمینی سپاه که حدود دو سال پیش هلیکوپترش در غرب ایران سقوط کرد) شهید کاظمی معدن خاک سرخ هرمز را که متعلق به آیت الله خزعلی بود را به علت تخلفات مسدود کرد. بعد از این ماجرا هواپیمایش سقوط کرد. البته صد در صد مشخص نیست که سقوط هواپیما عمدی بوده یا نه!

اما چکیده نظرات خزعلی در باره امام علی (ع):

***** درباره مردی بزرگ که بعد از پیامبر اکرم(ص)، مردی مانند ایشان دیده نشد. حتی اگر وحشتی ایجاد نشود بیان می‌کنم که مردی است برتر از انبیا و لذاست که او را قسیم الجنة و النار نامیده‌اند. درباره حضرت ابراهیم و موسی و عیسی(ع) چنین تعبیری به‌کار برده نشده است. آنکه حاکم روز قیامت است و خلق عالم را به جانب بهشت و جهنم سوق می‌دهد، ایشان است. قهرا انبیا هم که می‌خواهند به سمت بهشت بروند، سوقشان به‌وسیله ایشان است. از این جهت قسیم‌الجنة و النار از جانب شیعه و سنی درباره ایشان بیان شده است.**

عبارت ساده به نظر می‌رسد اما هنگامی که به عمق آن توجه می‌شود، معنایش این است که حاکم روز قیامت ایشان هستند و ابن ابی‌الحدید گوید: من درباره تو [یا علی] چه بگویم، بگویم آقای! بزرگی؟ عظمتی؟... اینها کم است... بل انت فی یوم القیامه حاکم فی العالمین و شافع و مشفع... این وصف و روحیه این مرد بزرگ است. اما این مرد صفات <ضد> را در خودش جمع کرده است و کسی نمی‌تواند صفات ضد را در خودش جمع کند. هم خیلی مهربان و رحیم است و برای یتیم گریه می‌کند، برای زن بیوه بی‌سرپرست ناراحت است و هم در شجاعت قهرمانان عرب از مقابل او می‌گریزند چون آنکه قهرمان است، قسی‌القلب است و برای یتیم نمی‌گریزد، اما او این‌گونه نبود.

در موضوع علم، در نهج‌البلاغه بیان می‌کند که تا دامن قیامت، هر حادثه‌ای که واقع شود را بیان خواهد کرد، حتی کسانی که مردی را هدایت کنند یا گمراه کنند او از آن باخبر است و بیان می‌کند...

بیان می‌کند که هر فردی از شما از من بپرسد تا زمان خروج او از منزلش را بیان کنم و از اسرار درونی آنها نیز می‌گویم و اگر نبود که مردم کافر بشوند، اسراری را بیان می‌کردم اما می‌هراسم که کفران به رسول‌الله داشته باشم لذا در علم این‌گونه بود.

پس او کسی است که بر همه موجودات علم و احاطه دارد و از حد تصور ما خارج است و اگر کسی بگوید که ما علی را شناخته‌ایم و او را وصف کرده‌ایم، شاید کمی از عهده این کار برآمده باشد.

اما در قرب او به خداوند: از پیامبر خواست که فلان مطلب را از خداوند بخواه، پیامبر دست به آسمان بلند کرد و فرمود خدایا به حق علی حاجت علی را برآورده فرما. عرض کرد، این چه داعی است؟ فرمود مگر از تو مقرب‌تر هست در درگاه خداوند... پس پیامبر او را می‌شناسد، مکرر پیامبر می‌فرمود مرغی برای من آورده‌اند احدی از مقرب‌ترین افراد نزد خود را پیش من بفرست تا با من از این طعام تناول کند. در خانه به صدا درآمد، کسی رفت دیدند که علی پشت در است، چند بار این امر تکرار شد و باز هم علی(ع) در پشت در بود، عایشه البته در را باز نمی‌کرد تا اینکه پیامبر فرمود عایشه در را باز کن... احب الناس در پشت در علی بود. پیامبر می‌فرمود گوشت و جان علی از من است و جان و گوشتش با ایمان آشنا است همانند من، وصی و برادر من است و باب علم من است.